یادداشت

چشم‌اندازی برای امید یا تکرار تاریخ

اردشیر زارعی‌قنواتی

خانم «هیلاری کلینتون» وزیر امور خارجه امریکا در کنفرانس خبری خود در واشنگتن اعلام کرد نخست‌وزیر اسرائیل «بنیامین نتانیاهو» و «محمود عباس» رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین را برای شروع مذاکرات مستقیم در تاریخ دوم سپتامبر دعوت کرده است. در این کنفرانس که جمعه ۲۰ آگوست برگزار شد همچنین از «حسنی مبارک» رئیس‌جمهوری مصر، «ملک عبدالله» پادشاه اردن و «تونی بلر» نماینده ویژه گروه چهارجانبه نیز برای حضور در این مذاکرات دعوت شده است. تحرک جدید واشنگتن برای تحقق بخشیدن به صلح خاورمیانه در شرایطی مطرح می‌شود که برگزاری مذاکرات مستقیم بین تل‌آویو- رام‌الله که به لحاظ حمله به نوار غزه در دسامبر ۲۰۰۸ قطع شده بود هم‌اینک به یک امر اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است. دولت «باراک اوباما» رئیس‌جمهوری امریکا هم‌اکنون از دو سو زیر فشار قرار گرفته است و این فشار دوجانبه مبتنی بر عدم اعتماد و توانمندی وی را در بزنگاه انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره در کمتر از سه ماه آینده به شدت در معرض آسیب قرار داده است. این تلاش تازه حداقل به این جهت که توانست رهبران فلسطینی و اعراب را به شرکت در مذاکرات مستقیم متقاعد کند و همچنین طرف اسرائیلی را نیز به طرح تمام مباحث مورد نظر فلسطینی‌ها ترغیب کند، در گام اول می‌تواند یک موفقیت تاکتیکی برای واشنگتن به حساب آید. با توجه به سابقه تاریخی تنش بین فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها و مذاکرات بی‌نتیجه گذشته چندان عاقلانه نیست که مذاکرات دوم سپتامبر را به عنوان یک نقطه عطف و رسیدن به هدف تلقی کرد. در بهترین وضعیت می‌توان نشست فوق را یک شروع برای ترسیم نقشه راه و ایجاد حسن نیت جهت ورود به یک دوران تازه لحاظ کرد که منعکس‌کننده یک اراده اکتیو برای تعهد مسوولانه مقابل مصالحه حداقلی صلح خواهد بود. براساس واقعیت گسست‌ها و منافع متضاد در عرصه درونی ساخت فلسطینی- اسرائیلی و درهم‌تنیدگی پارادوکسیکال عوامل مورد اختلاف دو طرف همچنین عدم اعتماد لازم به میانجیگران بین‌المللی برای ایفای نقش تعهدات الزام‌آور، دستیابی به صلح در این خصوص هدف چندان آسانی نخواهد بود. **۱- جامعه بین‌المللی:** گروه چهارجانبه متشکل از سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا، روسیه و امریکا که تقریباً نمایندگی جامعه جهانی را بر عهده دارند طی چندین سال گذشته به واسطه عدم همکاری لازم از سوی طرفین مناقشه و عدم تعریف‌ساز و کار تعهدآور جهت تحمیل «نقشه راه» از توان تاثیرگذاری مطلوب عاجز بوده است. این دقیقاً در حالی است که آنان باور دارند بدون تحقق صلح خاورمیانه، دیگر بحران‌های موجود منطقه‌ای قابل حل و فصل نخواهد بود. به همین دلیل اراده ذهنی در جامعه جهانی برای رسیدن به صلح در خاورمیانه وجود دارد اما از آنجا که این اراده ذهنی تا به امروز به یک اراده عینی تبدیل نشده است، دست گروه چهارجانبه جهت تحمیل صلح به طرفین مناقشه بسته بوده است. واشنگتن به عنوان تاثیرگذارترین عضو از این مجموعه تا حدودی این توان را دارد که عنصر عینی قضیه را تحقق

بخشد البته در صورتی که لابی‌ها و عوامل قدرت در هیات حاکمه امریکا فارغ از فضای متوهم گذشته آمادگی عبور از خطوط قرمز و سیکل معکوس تاریخ را داشته باشند. هم‌اکنون به نظر می‌رسد حداقل دموکرات‌ها و به خصوص حلقه نزدیک به باراک اوباما به این نقطه حساس نزدیک شده‌اند و چنانچه اراده و توان خنثی‌سازی عوامل بازدارنده را کسب کنند، موقعیت جدیدی را خلق خواهند کرد. دعوت از تونی‌بلر نماینده گروه چهارجانبه، حسنی مبارک و ملک عبدالله برای شرکت در مذاکرات مستقیم نیز در راستای سنگین‌تر کردن موضع اراده‌گرایانه دولت اوباما بوده است که این می‌تواند نشانه مثبتی تلقی شود. **۲- اسرائیل:** دولت راستگرای «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر اسرائیل که از طرف حزب کارگر به عنوان بزرگ‌ترین شریک ائتلافی به شدت برای پذیرش یک مصالحه زیر فشار قرار دارد، در مذاکرات آتی به همین دلیل تحت فشار دوسویه داخلی- خارجی قرار خواهد گرفت. بعد از جنگ خونین غزه در سال ۲۰۰۸ که منجر به انتقادات بی‌شماری از سوی جامعه جهانی شد و همچنین حمله کماندوهای اسرائیلی به کاروان کمک‌های امداد بین‌المللی به غزه که تبعات سنگینی برای تل‌آویو به همراه آورد، تغییر معادله موجود و ترسیم چهره جدید از اسرائیل در جهان به یک امر اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است. هر چند هم‌اکنون جناح راست با شراکت تندروهای ملی و مذهبی در کابینه انعطاف‌پذیری مذاکره‌کنندگان اسرائیلی را دشوار می‌کند، ولی با توجه به فشارهای بین‌المللی و اولویت‌های واشنگتن جهت بازی در خاورمیانه بزرگ دست نتانیاهو برای بر هم زدن صحنه بازی جدید چندان باز نخواهد بود. نخست‌وزیر اسرائیل به احتمال زیاد سعی خواهد کرد در این دور از مذاکرات با خریدن زمان و وعده‌های غیرشفاف از تعهدات الزام‌آور اجتناب کند. **۳- فلسطینی‌ها:** محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین که در کنار خود دو متحد عرب (حسنی مبارک و ملک عبدالله) را به همراه دارد با توجه به انعطافی که در خصوص‌پذیرش مذاکرات مستقیم و درخواست واشنگتن از خود نشان داده است، انتظار یک مذاکره تعهدآور و میانجیگری منصفانه را خواهد داشت. هر چند حماس به همراه ۱۰ گروه دیگر فلسطینی در هفته گذشته در جلسه دمشق خود مذاکرات مستقیم با اسرائیل را محکوم کرده‌اند ولی همین دوگانگی خود می‌تواند به عنوان یک برگ برنده برای ایجاد فشار در مذاکرات به نفع عباس عمل کند. چنانچه مذاکرات به طور عینی در راستای تشکیل کشور فلسطینی در مرزهای قبل از جنگ ۱۹۶۷، بازگشت مصالحه‌گرانه بخشی از آوارگان به موطن اصلی، تفاهم در خصوص وضعیت بیت‌المقدس، برچیدن شهرک‌های یهودی‌نشین یا معاوضه منصفانه زمین در مقابل زمین و مهم‌تر از همه تعهد در خصوص تشکیل کشور فلسطینی طی یک سال که در اظهارات خانم کلینتون به آن اشاره شده است، انجام گیرد، یک موفقیت برای عباس و راهی به سوی امید به حساب خواهد آمد.

بالکان بهشت فساد اداری

رشوه می‌گیرم پس هستم

توماس برای
ترجمه: محمدعلی فیروزآبادی

بالکان شبه‌جزیره‌ای در جنوب شرقی اروپا که از شرق به دریای سیاه و دریای اژه، از غرب به دریای یونان و دریای آدریاتیک، از جنوب به دریای مدیترانه و از سوی شمال به کوه‌های آلپ دینار و آلپ ترانسیلوانی و جلگه مجارستان مرزبندی می‌شود. کشورهایی که خاک بالکان را پر کرده‌اند عبارتند از یونان، آلبانی، بلغارستان، بوسنی و هرزگوین، کرواسی، اسلوونی، جمهوری مقدونیه، صربستان، مونته‌نگرو، رومانی و بخش اروپایی ترکیه. پهنه منطقه بالکان ۷۲۸ هزار کیلومترمربع و جمعیت آن پیرامون ۵۳ میلیون نفر است. نام بالکان از رشته‌کوه‌های بالکان گرفته شده که از مرکز بلغارستان تا بخش شرقی صربستان کشیده شده است. این رشته‌کوه نیز نام خود را از زبان ترکی گرفته است. در ترکی بالکان به معنی سلسله کوه‌های پوشیده از درخت است. بالکان میعادگاه و مرکز تلاقی فرهنگ‌های نوین اروپا، آسیا و آفریقا است که همواره در این نقطه در تعامل بودند و از یکدیگر تاثیر گرفته‌اند. چهارراه فرهنگی بالکان طی تاریخ شاهد تماس سنت‌ها و فرهنگ‌های گوناگون بوده است.

این روزها در سراسر منطقه بالکان لطیفه‌ای دهان به دهان می‌چرخد؛ یک دانشجوی تاریخ مبلغ ۲۰۰ یورو به استادش می‌پردازد و در قبال آن از وی در امتحان شفاهی می‌پرسد: «اولین بمب اتم در کجا افتاد ؟» و پس از اینکه دانشجو پاسخ می‌دهد «در هیروشیما» قبول می‌شود و می‌تواند برود. دانشجوی دوم اما از پرداخت رشوه خودداری می‌کند و با این حال به همه این پرسش‌ها پاسخ صحیح می‌دهد؛ اولین بمب اتم کجا افتاد، چه زمانی و چند نفر را کشت؟ اما این دانشجو از پاسخ به سوال آخر عاجز می‌ماند و مردود می‌شود: «نام‌های آن ۲۰۰ هزار قربانی چه بود؟» فساد در کشورهای بالکان بیش از هر زمان دیگر افزایش نشان می‌دهد و قانون بده‌بستان پول‌های زیرمیزی در عمل از سوی همه طبقات اجتماعی امری پذیرفته‌شده به شمار می‌آید. کشورهای بالکان همواره در رتبه‌بندی منفی سازمان شفافیت بین‌الملل از جایگاه ویژه‌ای در میان کشورهای اروپایی برخوردارند. یک‌پنجم مردم صربستان طی سال گذشته اقدام به پرداخت رشوه کرده‌اند و این رقم در بلغارستان که یکی از اعضای اتحادیه اروپا محسوب می‌شود بر اساس گزارش مرکز تحقیقات دموکراسی به یک‌چهارم می‌رسد. در این کشورها والدین برای تولد نوزادان‌شان در بیمارستان هم باید رشوه بپردازند و در غیر این صورت معلوم نیست که آن نوزاد زنده به دنیا بیاید. در صورت مرگ نوزاد هم این تنها پرداخت پول و رشوه است که می‌تواند گوری در گورستان نصیب آن نوزاد کند. در مدارس و دانشگاه‌ها هم بدون «پاداش» به معلمان و اساتید کاری از پیش نمی‌رود. همین چهار سال پیش بود که ناگهان خلافکاری‌های بزرگ در مدرسه‌های حقوق صربستان فاش شد و رسوایی بزرگی را رقم زد. ۱۰ نفر از اساتید این مدرسه به اتهام فروش مدرک دستگیر شدند که در میان آنها نام‌های رئیس آن مدرسه، یک قاضی سابق دادگاه قانون اساسی و یک کارشناس ارشد جرم‌های سازمان‌یافته به چشم می‌خورد. اما این متهمان امروز آزاد هستند و هنوز هیچ حکمی علیه آنان صادر نشده است.

در کرواسی «رسوایی دفترچه تحصیلی» در سال ۲۰۰۸ سبب لو رفتن «لیست قیمت‌ها» در دانشگاه‌ها شد. بر پایه این لیست می‌توان طراحان سوال‌های دانشگاهی را به خدمت خود درآورد به این صورت که با پرداخت ۵۰۰ کونا (۷۰ یورو) سوال‌های آسان مطرح می‌شود و البته تضمین قبولی در امتحانات سخت‌تر با ۱۰ هزار کونا (۱۳۹۰یورو) امکان‌پذیر است. اگر کسی بخواهد دو امتحان را یکجا قبول شود از تخفیف برخوردار می‌شود و قیمت آن ۱۵۰۰۰ کونا (۲۱۰۰ یورو) است. علاوه بر آن از سال‌ها پیش حرف و حدیث‌های زیادی در مورد پزشکان قانونی کرواسی در جریان است و از قرار معلوم این افراد که از موقعیت ویژه‌ای در آن کشور برخوردار هستند نیز مدارک دانشگاهی خود را به همان طریق پیش‌گفته، کسب کرده‌اند.

کارشناسان سازمان شفافیت بین‌الملل در سال گذشته بلغارستان، مقدونیه و رومانی را در جایگاه ۷۱ لیست جهانی خود و در ردیف فاسدترین کشورها قرار دادند. این در حالی است که سوئیس در جایگاه پنجم، آلمان در جایگاه چهاردهم و اتریش در جایگاه شانزدهم کشورهای اروپایی این لیست قرار دارد. اما جالب‌تر آنکه در این لیست صربستان در جایگاه ۸۳ و آلبانی در جایگاه ۹۵ قرار دارند و بالاخره بوسنی و هرزگوین با اشغال جایگاه ۹۹ فاسدترین کشور اروپایی به شمار می‌آید.

«سر جان بلاگوف کانین» مدیر محلی شعبه سازمان شفافیت بین‌الملل در بوسنی می‌گوید: «موتور محرکه اصلی فساد در بوسنی همان الیت سیاسی این کشور است. فسادهای خرد در حوزه‌های بهداشت، آموزش، ادارات و پلیس در واقع پیامد فسادهای کلان است. مردم به چشم خود شاهدند که دانه‌درشت‌ها در عرصه سیاست مصون از مجازات هستند و این حالت را توجیه هم می‌کنند و با بذل و بخشش به آنچه می‌خواهند، می‌رسند.» این در حالی است که بر پایه گزارش پزشکان محلی یک شهروند ساده بوسنیایی برای یک معاینه پزشکی به طور متوسط باید ۱۲۶ یورو رشوه پرداخت کند و این رقم برای پزشکان متخصص و استادان دانشگاه به ۲۲۳ یورو هم می‌رسد. این رقم بیش از نصف حقوق متوسط یک شهروند را شامل می‌شود.

در رومانی هم وضعیت بهتر از این نیست. چندی پیش فاش شد مدیر یک مدرسه برای صدور مدرک دیپلم دانش‌آموزان ۱۴۱۰۰ یورو رشوه گرفته است اما از آنجایی که وی ناشیانه عمل کرده بود کمیسیون امتحانات متوجه جعلی بودن مدارک شد و به این صورت این مورد به رسانه‌ها راه یافت. رشوه‌گیری در مدارس رومانی امری معمول و روزمره است زیرا معلمان به دلیل حقوق ناچیزی که از دولت دریافت می‌کنند چاره‌ای جز این ندارند که به صورت خصوصی به شاگردان درس بدهند و اگر دانش‌آموزی توانایی مالی نداشته باشد صرف نظر از استعداد و توانایی‌اش امکان کسب نمره قبولی را نخواهد داشت. روزنامه «پرس» چاپ بلگراد در جولای گذشته نوشت: «آنها پزشک نیستند بلکه هیولا هستند.» در آن زمان عده‌ای از پزشکان مشهور و مدیر موسسه ملی حمایت از بیماران در صربستان دستگیر شدند. از قرار معلوم این افراد بدون دلایل پزشکی برخی از بیماران را تحت شیمی‌درمانی قرار داده بودند تا در قبال آن از دولت پول دریافت کنند. طبق گزارش‌ها، پزشکان این مرکز حتی کودکان را هم با سه برابر مقدار مجاز تحت شیمی‌درمانی قرار داده بودند و در قبال این عمل مجرمانه نیم میلیون یورو از شرکت‌های داروسازی پول گرفته و صرف خرید اتومبیل‌های لوکس کرده‌اند.

اما این همه در مقابل مبالغ رشوه‌ای که سیاستمداران و مدیران دولتی دریافت می‌کنند چیزی نیست. اتحادیه اروپا دو سال پیش پرداخت کمک‌های مالی برای پروژه‌های راه‌سازی در بلغارستان را متوقف کرد زیرا میلیون‌ها یورو از این کمک‌ها در عمل ناپدید شده بود. یکی از وزرای دفاع سابق کرواسی نیز به اتهام اختلاس میلیونی در واردات کامیون در بازداشت به سر می‌برد. علاوه بر وی «ایوو ساتادر» رئیس سابق دولت این کشور نیز از سوی رسانه‌ها متهم به پولشویی و اختلاس است.

«آدریان ناستازه» نخست‌وزیر سابق رومانی (۲۰۰۴- ۲۰۰۲) نیز باید در دادگاه حاضر شده و در مورد موجودی چهارصد هزار دلاری حساب پس‌انداز همسرش توضیح بدهد. او ادعا دارد این پول را از طریق فروش جواهرات عمه همسرش به دست آورده است اما آن عمه ادعایی جناب نخست‌وزیر سابق پیرزن فقیری است که در یک آپارتمان کوچک در بخارست زندگی می‌کند. شهردار کرایوای رومانی به نام «آنتونی سولومون» نیز از مارس گذشته به اتهام دریافت یک رشوه پنجاه هزار دلاری در زندان به سر می‌برد.

اما رقم‌های به مراتب بیشتری نیز در بالکان وجود دارد. سال گذشته یک فرستنده تلویزیونی در بلگراد کشف کرد شهرداری این شهر زمینی به ارزش «چند صد میلیون یورو» را به چند تاجر مشکوک فروخته است. مقامات رسمی عقیده دارند سالانه مبلغی معادل ۱/۷ میلیارد یورو در صربستان پولشویی می‌شود و از سوی دیگر کارشناسان اروپایی با اطمینان می‌گویند همه‌ساله ۴۰۰ میلیون یورو در قراردادهای دولتی صربستان رشوه پرداخت می‌شود. روزنامه «بلیک» چاپ بلگراد گزارش می‌دهد رئیس خدمات دولتی یعنی «بوریسلاو گالیچ» که در گذشته از جمله اعضای شناخته‌شده سازمان اطلاعات و امنیت این کشور بود و دادگاه هم نقش او را در قتل‌های سیاسی تایید کرده است اینک یک گذرنامه جدید دارد و سالانه برای نهاد تحت مدیریت خود مبلغ چهار میلیارد یورو سفارش ثبت می‌کند؛ سفارش‌هایی که در عمل هیچ کنترل و شفاف‌سازی بر آن اعمال نمی‌شود. روزنامه‌های محلی صربستان نیز خبر از فساد احزاب می‌دهند و عقیده دارند احزاب این کشور در واقع شرکت‌هایی هستند که برای صعود و سقوط سیاستمداران پول خرج می‌کنند و به گفته آنها حداقل ۱۵ درصد پول‌های سرمایه‌گذاری شده به خزانه این احزاب سرازیر می‌شود.

از سال‌ها پیش تعداد زیادی از شهروندان صربستان در خارج از این کشور به عنوان کارگر میهمان مشغول به کار هستند اما در حال حاضر هیچ‌یک از آنان خواهان بازگشت به وطن نیستند زیرا به گفته یکی از آنها «دیوانه نیستم که پولی را که با عرق جبین به دست آورده‌ام به صربستان ببرم تا طعمه سیاستمداران فاسد شود و خودم مثل یک فقیر زندگی کنم.» برخی دیگر از این کارگران نیز خبر می‌دهند بارها از سوی اداره مالیات و گمرک سرکیسه شده‌اند. یکی از آنان می‌گوید: «به خاطر همین فساد از صربستان فرار کردم. در کشور ما همه چیز و همه کس آلوده به فساد است.» یک کارگر مهاجر شرح گرفتاری‌ها و مصائب خود را در کتابی گرد آورده که در نوع خود یک اثر پرفروش جنایی به حساب می‌آید. او در این کتاب حتی بدترین دشمنان خود را نیز از سرمایه‌گذاری در صربستان بر حذر می‌دارد. و اما سیستم قضایی در کشورهای بالکان. در رومانی نیز مانند دیگر کشورهای بالکان، بزرگ‌ترین پرونده‌های فساد سیاستمداران و حاکمان به بایگانی سپرده می‌شود. وکلای مدافع همه‌فن‌حریف با لطایف‌الحیل زمان دادگاه‌ها را به تعویق می‌اندازند و البته برای این کار قاضی‌ها را هم در کنار خود دارند. هر گاه نوبت به صدور حکم می‌رسد، این کار با بهانه‌های مضحکی چون به مرخصی رفتن قاضی به محاق می‌رود و دادگاه بار دیگر تشکیل می‌شود. دادگاه آن ۳۳ متهم به اصطلاح مافیای فساد که در سال ۲۰۰۶ در بلگراد بازداشت شدند نیز هنوز در همان مراحل اولیه باقی مانده و هیچ‌کس روی این پرونده اقدامی به عمل نمی‌آورد. دادگاه سکا یعنی همسر آن شبه‌نظامی بدنام و مقتول «زلیکو رازناتوویچ» هفت سال پس از آغاز بازپرسی‌ها هنوز تشکیل نشده است. این زن متهم است که بابت خرید و فروش بازیکنان تیم‌های فوتبال بیش از ۱۱ میلیون یورو درآمد غیرقانونی داشته است. جامعه‌شناسان کشورهای بالکان تلاش زیادی برای تشریح علل و عوامل این فسادریشه‌دار در آن منطقه به خرج می‌دهند. برخی از آنان کمبودهای دوران کمونیسم را موجب این فساد می‌دانند و برخی دیگر علت اصلی را وجود فقر شدید در بخش‌هایی از این منطقه عنوان می‌کنند. اما همه آنها در یک مورد کاملاً هم‌عقیده هستند؛ تا زمانی که سیاست‌های کلان اصلاح نشود هیچ شانسی برای فسادزدایی از زندگی روزمره شهروندان وجود نخواهد داشت.

منبع: dpa

گزارش

خودکشی کارشناس تسلیحاتی بریتانیا تایید شد

پزشک متخصصی که جسد دیوید کلی کارشناس تسلیحاتی وزارت دفاع بریتانیا را کالبدشکافی کرده بود، گفته است مرگ وی نمونه بارز یک خودکشی بوده و تمام ویژگی‌های آن را دارد. گروهی از پزشکان نسبت به نتیجه تحقیقات نیکلاس هانت در سال ۲۰۰۴ در مورد مرگ دیوید کلی ابراز تردید کرده و خواهان تحقیقاتی دیگر در این باره شده بودند اما نیکلاس هانت می‌گوید مرگ این دانشمند که پس از برملا شدن هویت او به عنوان منبع یکی از خبرهای بی‌بی سی درباره تسلیحات کشتار جمعی عراق صورت گرفت، «نمونه بارزی از آسیب رساندن یک فرد به خودش بود». اما هانت در مصاحبه‌ای با هفته‌نامه ساندی تایمز لندن گفت از انجام یک تحقیقات کامل در این زمینه استقبال می‌کند. در سال ۲۰۰۳ اسم دیوید کلی به عنوان فردی فاش شد که اطلاعاتی در اختیار رسانه‌ها قرار داده بود که ادعای دولت بریتانیا در مورد توانایی نظامی عراق را زیر سوال می‌برد. آن زمان دولت بریتانیا ادعا می‌کرد عراق دارای سلاح‌های کشتار جمعی است که در عرض ۴۵ دقیقه می‌تواند آنها را به کار گیرد. کمی پس از برملا شدن نام دکتر کلی، جسد او در بیشه‌ای در نزدیکی خانه‌اش در آکسفوردشایر پیدا شد. آن زمان تونی بلر نخست‌وزیر بریتانیا، به جای آنکه دستور بدهد پزشکی قانونی در مورد مرگ دیوید کلی تحقیق کند، از لرد هاتن خواست این تحقیقات را انجام بدهد. نتیجه این تحقیقات نشان داد دکتر کلی به دلیل خونریزی زیاد پس از بریدن رگ مچ دستش با یک چاقوی کند آشپزخانه، جان سپرده است. بر اساس حکمی که در رابطه با نتیجه کالبدشکافی صادر شده است، جزییات این تحقیقات به مدت ۷۰ سال محرمانه باقی خواهد ماند و این اولین بار است که نیکلاس هانت که قبلاً هم به عنوان شاهد در تحقیقات هاتن شرکت کرده بود، علناً به دفاع از یافته‌های خود پرداخته است. هانت به ساندی‌تایمز گفته است در جریان هشت ساعت تحقیقش درباره مرگ دیوید کلی به هیچ‌گونه نشانه‌ای برنخورده بود که حاکی از به قتل رسیدن او باشد. تاکنون چند تقاضا برای بازگشایی پرونده مرگ دکتر کلی مطرح شده است از جمله اخیراً هشت پزشک ادعا کردند نتیجه‌گیری لرد هاتن در تحقیقاتش قابل اعتماد نیست، زیرا جراحت روی مچ دست او به شدتی نبوده که خونریزی شدید و مرگ او را در پی داشته باشد، مگر آنکه خون دکتر کلی آن هنگام رقیق بوده باشد. به نظر می‌آید کارآگاهی هم که جسد دکتر کلی را پیدا کرده بود دیدگاهی مشابه دارد. این هشت پزشک خواهان آن شده‌اند که اطلاعاتی که در جریان کالبدشکافی به دست آمده، در اختیار آنها قرار بگیرد و لرد هاتن هم گفته است مخالفتی با این کار ندارد. لرد هاتن در ماه ژانویه یعنی حدود هشت ماه پیش گفته بود علت محرمانه اعلام شدن جزییات پرونده، ممانعت از آزردگی خاطر خانواده دکتر کلی بوده است.